مقالهٔ علمی- پژوهشی **علم زبان؛** سال ۷، شمارهٔ ۱۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۹

تحلیل استعاره‌های بوستان سعدی بر اساس نظریهٔ آمیزهٔ مفهومی

۱ـ عباسعلی آهنگر [*]؛ ۲ـ محمدامیر مشهدی [**]؛ ۳ـ سمیه دهمرده بهروز [***]

۱- استاد زبان شناسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

۲- استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

۳- کارشناسی ارشد زبان شناسی همگانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۲۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۲۵)

چکیده

هدف این پژوهش، توصیف و تحلیل حوزه‌های مفهومی به‌کاررفته در استعاره‌های بوستان سعدی بر اساس نظریهٔ آمیزهٔ مفهومی مطرح‌شده توسط فوکونیه و ترنر (۱۹۹۸, ۲۰۰۲) است. در این نظریه، برای توصیف و تحلیل استعاره‌ها از فضاهای ذهنی استفاده می شود که عبارتند از: دو فضای دروندادی، یک فضای عام و یک فضای آمیخته. در این پژوهش، فضاهای ذهنی هر استعاره در بوستان سعدی توصیف شده تا مشخص شود در هر استعاره از چه حوزه‌های مفهومی در ساخت فضاهای ذهنی استفاده گردیده است. سپس، معنادار بودن و یا معنادار نبودن استفاده از این حوزه‌های مفهومی با استفاده از آزمون خی دو در نرم‌افزار اس. پی. اس. اس. اندازه‌گیری شده است. نتایج نشان می‌دهد حوزه¬های مفهومی به‌کاررفته در استعاره‌های بوستان سعدی را می‌توان در ۱۳ گروه دسته‌بندی نمود که عبارتند از: (۱) جاندارپنداری، (۲) سفر برای مفهوم زندگی، (۳) استفاده از جهت‌ها برای هستارهای مثبت و منفی، (۴) پدیده-های طبیعی، (۵) حیوانات، (۶) مزه‌ها، (۷) کشاورزی، (۸) اعضای بدن، (۹) مظروف بودن هستارهایی که ظرف نیستند، (۱۰) اشیا، (۱۱) افعال، (۱۲) شخصیت‌های انسانی و (۱۳) محل. هنگام ساخت استعاره‌ها، این حوزه‌های مفهومی در یک فضای دروندادی قرار گرفته و همراه با فضای دروندادی دیگری که هدف شاعر محسوب می‌شود، به فضای آمیخته فرافکنی شده و استعاره را می‌سازند. آنگونه که نتایج این پژوهش نشان می¬دهد، تمام استعاره‌های بوستان سعدی را می توان براساس حوزه‌های مفهومی که در ساخت فضاهای ذهنی مطرح شده در نظریهٔ آمیزهٔ مفهومی نقش دارند، مورد توصیف و تحلیل قرار داد.

کلیدواژه‌ها: استعاره، بوستان سعدی، نظریهٔ آمیزهٔ مفهومی، حوزه‌های مفهومی، فوکونیه و ترنر.

---

*E-mail: ahangar@english.usb.ac.ir (نویسندهٔ مسئول)

**E-mail: mashhadi@lihu.usb.ac.ir

***E-mail: s.dahmaredeh1389@gmail.com

۱. مقدمه

انسان از دیرباز برای برقراری ارتباط با دیگران از زبان استفاده می‌کرده است. در طول زمان، زبان تکامل یافته و تبدیل به شبکه‌ای پیچیده از روابط و ساخت‌ها شده است و تغییر زبان همواره نیاز به رمز گشایی دارد. یکی از این ساخت‌ها، که درک آن نیاز به هوشیاری بیشتری دارد، ساخت استعاره است. بر اساس دیدگاه سنتی، استعاره نخست، نقش زیبایی آفرینی در زبان را بر عهده داشته است (ساسانی،۱۳۹۰). از نظر کوچش[1] این دیدگاه رایج و سنتی که از سوی متخصصین و عوام مورد قبول است، پنج ویژگی دارد. «۱ـ استعاره مشخصهٔ واژه‌هاست؛ ۲ـ استعاره فقط برای اهداف هنری استفاده می‌شود؛ ۳ـ استعاره بر مبنای شباهت میان دو عنصر مورد مقایسه شکل می‌گیرد؛ ۴ـ استعاره کاربرد آگاهانه و عمدی واژه‌هاست؛ ۵ـ استعاره تزئینی و اجتناب پذیراست» (کوچش، ۱۳۹۳: ۵).

براساس دیدگاه سنتی، استعاره تنها برای زیبایی کلام در سخن شاعران و نویسندگان کاربرد دارد و چگونگی استفاده از آن، نشانه‌ای از مهارت، فصاحت و بلاغت کلام گوینده است. ارسطو استعاره را اینگونه تعریف می‌کندکه استعاره آن است که چیزی را به نامی بخوانیم که آن نام در اصل به چیز دیگری تعلق دارد (افراشی،۱۳۹۰: ۱۳). از دیدگاه لیکاف[2] باید به این نکته توجه داشت که از دیدگاه سنتی، استعاره همانند دیگر صناعات ادبی از زبان روزمره قابل تفکیک است و هیچ نیازی به آن نیست (لیکاف،۱۳۹۳). لیکاف (۱۳۹۳) در مقاله‌ای به نام «نظریهٔ معاصر استعاره[3]» می‌گوید (لیکاف،۱۸۷:۱۳۹۳):

1. Kovecses
2. Lakoff
3. The Contemporary Theory of Metaphor

دلیل اینکه در دیدگاه سنتی، استعاره را از زبان روزمره جدا می‌دانند این است که زبان را به دو نوع ادبی و روزمره تقسیم می‌کنند. در زبان روزمره، هیچ نیازی به استعاره نیست؛ هرآنچه در زبان روزمره به کار می‌رود، حقیقی است».

به طور کلی، در تاریخ غرب، به استعاره با تردید می‌نگریستند. رینهارت[۱] (1976) به نظر چامسکی[۲](1964) و زیف[۳] (1964) اشاره می‌کند و می‌گوید از نظر آنها استعاره، انحراف از معنای اصلی واژه‌هاست. آنها استعاره را رعایت‌نکردن اصل محدودیت‌های گزینشی[۴] می‌دانند. اندیشمندان اسلامی از جمله فارابی و ابوعلی سینا با نظرات ارسطو و دیدگاه سنتی موافق هستند، به‌گونه‌ای که ابن‌سینا کاربرد استعاره در زبان روزمره را جایز نمی‌داند (خادم‌زاده و سعیدی‌مهر، ۱۳۹۳).

در این راستا، اولین نظریهٔ جدیدی که در مورد استعاره ارائه شد، نظریهٔ تعاملی[۵] استعاره بود که ریچاردز[۶] (۱۳۸۲) در کتاب *فلسفه بلاغت*[۷] آن را مطرح کرد. این دیدگاه دو ادعای اصلی دارد: نخست اینکه محتوای شناختی استعاره‌ها قابل تفکیک نیست. دوم اینکه، محتوای شناختی استعاره‌ها یا همان «معنی» به کمک تعامل میان نظام‌های شناختی متفاوت به وجود می‌آیند. پس از ریچاردز (1967)، بلک[۸] (1977, 1979) نظریهٔ او را گسترش داد. بلک (1977) این سوال را مطرح می‌کند که

1. Reinhart
2. Chomsky
3. Ziff
4. Selectional Restriction
5. Interaction Theory
6. Richards
7. The Philosophy of Rhrtoric
8. Black

شنونده چگونه استعاره را تشخیص می‌دهد. او استعاره را به سطح معناشناسی زبان مرتبط می‌داند و نه قواعد دستوری آن. نظریهٔ دیگری که در ارتباط با استعاره مطرح گردید نظریهٔ کنش گفتاری بود که بر اساس اصول مطرح‌شده از سوی گرایس[1] (1975) ارائه شد. نکتهٔ اساسی که در این دیدگاه وجود دارد این است که برای درک یک استعاره، گوینده و مخاطب باید ارتباط مناسب و عمیقی با هم داشته باشند. از دیدگاه سرل[2] (1979)، در واقع، سه عنصر اصلی در این نظریه وجود دارد که عبارتند از: گوینده، مخاطب و موقعیتی که ارتباط در آن روی می‌دهد. برای درک درست استعاره، این سه عنصر باید درست درک شوند و ارتباط مناسبی بین آن‌ها وجود داشته باشد.

در ادامهٔ مطالعات زبانشناسی، در دههٔ هشتاد میلادی رویکرد شناختی به استعاره با انتقاد به نظریه‌های سنتی، دیدگاهی جدید نسبت به استعاره ارائه کرد. لیکاف و جانسون[3] (1980) در کتاب *استعاره‌هایی که باور داریم*[4] نظرات جدیدی مطرح کردند. از دیدگاه آنان، استعاره وجه متمایز زبان ادبی نیست، بلکه مسأله‌ای مفهومی است که جایگاه آن ذهن بشر است و نه زبان او. لیکاف (1992) بیان می‌کند که جایگاه استعاره به هیچ عنوان در زبان نیست، بلکه راهی است که در آن ما یک حوزهٔ ذهنی را در حوزهٔ ذهنی دیگر مفهوم‌سازی می‌کنیم. در دیدگاه شناختی، استعاره فهم یک حوزهٔ مفهومی بر اساس حوزهٔ مفهومی دیگر است. حوزهٔ مفهومی که به کار می‌رود تا حوزهٔ دیگری درک شود «حوزهٔ مبدأ» نامیده می‌شود. حوزهٔ دیگری که به کمک حوزهٔ مبدأ درک می‌شود «حوزهٔ مقصد» نام دارد (Lakoff & Johnson, 1980).

1. Grice
2. Searle
3. Johnson
4. Metaphors We Live by

در ادامهٔ مطالعات زبانشناسی شناختی پیرامون استعاره، فوکونیه[1] و ترنر[2] (1998, 2002)مبحث جدیدی در حوزهٔ استعاره مفهومی مطرح کردند. به اعتقاد آنها، بحث استعاره مفهومی زیرمجموعهٔ موضوع وسیع‌تری است که چگونگی تعامل نظام‌های مفهومی را با حوزه‌ها یا فضاهای دروندادی بررسی می‌کند. این مبحث گسترده‌تر توضیح می‌دهد که انعکاس یک حوزهٔ مفهومی در حوزهٔ دیگر، با استفاده از نظام مفهومی چگونه انجام می‌شود.

همچنین، نشان می‌دهد نظام مفهومی چطور از حوزه‌های در دسترس، حوزه‌ای جدید به وجود می‌آورد و یا چگونه این حوزه‌ها را به هم پیوند می‌دهد. به بیان دیگر، در نظریهٔ آمیزهٔ مفهومی نه تنها به ارتباط بین حوزه‌های مفهومی به عنوان فضاهای ذهنی[3] دروندادی پرداخته می‌شود، بلکه چگونگی ایجاد حوزه‌های جدید و خلاقانه اندیشه و زبان از طریق مطابقت[4] بین آنها نیز مورد توجه خاص قرارمی گیرد. در واقع، این نگاه خلاقانه و پویا به استعاره است که خلاقیت‌های اندیشه و زبان و همچنین تخیلات انسانی را منعکس می‌کند (Fauconnier & Turner, 1998, 2002).

همچنین، فوکونیه و ترنر (1998, 2002) معتقدند برای اینکه بتوانیم پیچیدگی های تفکر انسان را مورد بررسی قرار دهیم، نمی‌توانیم به یک الگوی تک‌حوزه‌ای یا دوحوزه‌ای اکتفا کنیم، بلکه به الگویی شبکه‌ای از تفکر آدمی نیازمند هستیم. این نظریه تحت عنوان « نظریهٔ آمیزهٔ مفهومی[5]» شناخته می‌شود (کوچش، ۱۳۹۳).

1. Fauconnier
2. Turner
3. Mental spaces
4. Mapping
5. Conceptual Blending Theory

علاوه بر این، از نظر گریدی[1]، اکلی[2] و کولسن[3] طبق نظریهٔ آمیزهٔ مفهومی، ما از واژه‌ای به طور آنی[4] به‌عنوان استعاره استفاده می‌کنیم که ممکن است به طور کامل، بدیع و بی‌سابقه باشد. این همان چیزی است که فوکونیه و ترنر از آن به عنوان «ادراک آنی» یاد می‌کنند (Grady, 1999).

از سوی دیگر، باید توجه داشت که از استعاره در ادبیات بسیار استفاده می‌شود و یکی از آرایه‌های ادبی مهم محسوب می‌گردد. از جمله آثار ادبی معروفی که پژوهش حاضر به توصیف و تحلیل استعاره‌های آن پرداخته است، بوستان سعدی است. بوستان، اثر شاعر بزرگ پارسی زبان، سعدی شیرازی است که در قرن هفتم سروده شده است. بوستان سعدی یا سعدی‌نامه نخستین اثر سعدی است که کار سرودن آن در سال ۶۵۵ قمری پایان یافته است. سعدی این اثر را زمانی که در سفر بوده است، سروده و هنگام بازگشت به شیراز آن را به دوستانش عرضه کرده است. این اثر در قالب مثنوی و در بحر متقارب سروده شده و از نظر قالب و وزن شعری حماسی است، هر چند که از نظر محتوا به اخلاق و تربیت و سیاست و اجتماعیات پرداخته است (صفا، ۱۳۳۶). این کتاب شامل ده باب می‌شود که هر باب حکایت‌هایی راجع به موضوعی خاص را به نظم در بر می‌گیرد. موضوعات ده باب بوستان عبارتند از: عدل و تدبیر و رای، احسان، عشق و مستی و شور، تواضع، رضا، قناعت، تربیت، شکر بر عافیت، توبه و راه صواب و باب آخر مناجات. در پژوهش حاضر نشان داده می‌شود که می‌توان استعاره‌های به‌کاررفته در بوستان سعدی را بر اساس مفاهیم و اصول نظری دیدگاه آمیزهٔ مفهومی، مبتنی بر نظریهٔ فوکونیه و

1. Grady
2. Oakley
3. Coulsoun
4. Online

ترنر (1998, 2002) مورد بررسی قرار داد و حوزه‌های مفهومی به‌کاررفته در ساخت فضاهای ذهنی مربوط را شناسایی کرد و این استعاره‌ها را مورد توصیف و تحلیل و مقایسه قرار داد.

به عبارت دیگر، در پژوهش حاضر، این فرضیه‌ها مورد بررسی قرار گرفته‌اند: استعاره‌های به‌کار رفته در بوستان سعدی را می‌توان بر اساس انواع فضاهای ذهنی مطرح شده در دیدگاه آمیزه مفهومی مورد بررسی قرار داد. انواع حوزه‌های مفهومی استفاده شده در ساخت فضاهای ذهنی به‌کاررفته در استعاره‌های بوستان سعدی را می‌توان بر اساس نظریهٔ آمیزهٔ مفهومی مورد بررسی قرار داد. تفاوت معناداری بین بسامد استفاده از انواع حوزه‌های مفهومی در ساخت انواع فضاهای ذهنی مطرح‌شده در نظریهٔ آمیزهٔ مفهومی در استعاره‌های بوستان سعدی وجود دارد.

۲. پیشینهٔ تحقیق

با توجه به اینکه بوستان، یکی از آثار ماندگار و معروف در زبان فارسی است، توجه بسیاری از پژوهشگران را به خود جلب نموده است. این امر سبب شده‌است تا از جنبه‌های مختلف مورد توصیف و تحلیل قرار گیرد. از سوی دیگر، به‌کارگیری مبانی نظریهٔ آمیزهٔ مفهومی نیز، در مورد استعاره، مورد استقبال بسیاری از زبانشناسان و پژوهشگران ایرانی و غیرایرانی قرار گرفته است.

زنگویی، شعبانی ورکی، فتوحی و مسعودی (۱۳۸۹) پس از بررسی و تشریح انواع استعاره‌ها و نظریه‌های متفاوتی که در مورد آن مطرح شده است، به نقش‌های تربیتی متعددی که برای استعاره در نظر گرفته‌اند، اشاره می‌کنند. خیری‌کنگان (۱۳۹۰) به بررسی و مقایسه کارایی نظریهٔ استعاره مفهومی

(Lakoff & Johnson, 1980) و آمیزهٔ مفهومی (Fauconnier & Turner, 2002) در تبیین تبلیغات استعاری تعدادی از مجلات خانوادگی ایرانی پرداخته است. براساس نتایج این پژوهش، اصول نظریهٔ آمیزهٔ مفهومی برای درک و تبیین استعاره‌های به‌کاررفته در تبلیغات کاربرد بیشتری دارد. برکت، روشن، محمدابراهیمی و اردبیلی (۱۳۹۱) دو قصهٔ عامیانهٔ ایرانی را بر اساس نظریهٔ آمیزهٔ مفهومی (Fauconnier & Turner, 1998) بررسی کرده‌اند تا بتوانند فرایند معنا سازی و شخصیت‌پردازی را در این دو داستان تحلیل نمایند. نتایج پژوهش آنها نشان می‌دهد که خلاقیت و پویایی فرایندهای معناساز موجود در قصه‌های عامیانه با استناد به اصول نظریهٔ آمیزهٔ مفهومی قابل تبیین است. صادقی (۱۳۹۱) به بررسی چگونگی شکل‌گیری و خوانش آثار ادبی دیداری که از تلفیق تصویر و نوشتار به وجود می‌آیند، پرداخته است. وی این رابطه را بر اساس دیدگاه فوکونیه و ترنر (2002) مورد تحلیل قرار می‌دهد و چهار فضایی را که بر اساس نظریهٔ تلفیق مفهومی در تولید معنا دخیل هستند، به کار می‌گیرد تا چهار نوع ادغام مختلف، در روابط تصویر و نوشتار را نشان دهد. ندیمی (۱۳۹۲) در پژوهشی به بررسی و تحلیل اخبار سه شبکهٔ تلویزیون ایران بر اساس نظریهٔ آمیزهٔ مفهومی مطرح شده توسط فوکونیه و ترنر (1994) پرداخته است. وی به این نتیجه دست می‌یابد که در اخبار سه شبکهٔ تلویزیونی ایران از استعاره استفاده می شود و این استعاره‌ها براساس اصول نظریهٔ آمیزهٔ مفهومی قابل توصیف و تحلیل هستند. مؤذنی و خنجری (۱۳۹۳) به تحلیل استعاره‌های مفهومی فارسی، به‌خصوص در شعر، براساس نظریهٔ آمیزهٔ مفهومی (Fauconnier & Turner 1998) پرداخته‌اند. آنها اشعاری از بوستان، شاهنامه، شرفنامهٔ نظامی، منظومهٔ خسرو و شیرین نظامی، لیلی و مجنون نظامی، مخزن الاسرار و اقبال‌نامهٔ نظامی را بررسی

نموده‌اند. نتایج پژوهش آن‌ها کارآمدی الگوی شبکه‌ای برای تحلیل استعاره‌های مفهومی فارسی را بخصوص در شعر نشان می‌دهد. اصغر نژاد فرید و فقیه ملک مرزبان (۱۳۹۵) به تحلیل مفاهیم «جنگ»، «شکار» و «عشق» در غزلیات سعدی با تکیه بر نظریهٔ آمیزهٔ مفهومی (Fauconnier & Turner, 2002) پرداخته‌اند. آنها پس از ترسیم ابعاد آمیزهٔ مفهومی «جنگ و شکار» نشان می‌دهند که پارادوکس حاصل در حوزهٔ آمیخته چگونه ایجاد می شود و به این نتیجه دست می‌یابند که پارادوکس حاصل در آمیزه، ناشی از تأثیر مفاهیم عرفانی عشق در گفتمان صوفیانه بر الگوهای ذهنی شاعر است، حتی اگر غزل در ردیف غزل‌های عاشقانه باشد. شاملی و حاجی قاسمی (۱۳۹۶) فعل «دیدن» در نهج‌البلاغه را بر اساس نظریهٔ آمیزهٔ مفهومی(Fauconnier & Turner, 1998) مورد تحلیل قرار داده‌اند. در این پژوهش، خطبه‌هایی از کلام امیرالمؤمنین (ع) که فعل «دیدن» در آنها به‌کار رفته، توصیف و تحلیل شده است. نتایج این پژوهش گویای آنست که امام علی (ع) برای بیان مفاهیم انتزاعی، فعل «دیدن» را در شبکهٔ آمیزهٔ مفهومی دو حوزه‌ای که بدعت زبانی بالایی دارد، به کار بسته‌اند.

ویکمن[1]، دانیلز[2]، وایت[3] و فسمایر[4] (1999) به بررسی استعاره در مشاوره پرداخته اند. از نظر آنها مراجعه‌کنندگان هنگام توضیح مسائل از استعاره استفاده می‌کنند، بدون آنکه از آن آگاه باشند. درمانگرهایی مثل میلتن اریکسون[5] که مشاوری ماهر بود، آگاهانه از استعاره در مشاوره‌هایش استفاده می‌کرد. او داستان یا لطیفه‌ای قیاسی بر اساس وقایع اتفاق‌افتاده برای مراجعه‌کننده می‌ساخت، بدون اینکه به طور

1. Wickman
2. Daniels
3. White
4. Fesmire
5. Erickson

مستقیم به ماجرای اصلی اشاره کند. آنها به پژوهش کویین[1] (1987) اشاره می‌کنند که به بررسی استعاره‌های مفهومی مرتبط با «رابطه» در فرهنگ غربی می‌پردازد. براساس نتایج این پژوهش، مشکلات در ازدواج زمانی شروع می شود که یکی از طرفین این استعاره را در ذهن دارد: «رابطه یک تجارت دو طرفه است»، که با توقعات طرف مقابل که «رابطه را یک اندام‌واره می‌داند» مغایرت دارد. از دیدگاه آنان، پذیرفتن استعاره به‌عنوان ساختاری از جهان مفهومی شخص، مشاوران را قادر می‌سازد درک بهتر و جامع‌تری از «تصور شخص نسبت به خودش» داشته باشند و بیشتر به تفکرات مراجعه‌کنندگان پی ببرند.

همچنین، دسکامپ [2] و سوییتسر[3] (2005) به بررسی استعاره‌هایی که در انجیل برای «خدا» استفاده شده‌اند، براساس نظریه آمیزهٔ مفهومی (Fauconnier & Turner, 1998) پرداخته‌اند. آنها در این پژوهش، نخست نظریات مطرح‌شده در مورد استعاره را بیان می‌کنند و سپس، نشان می‌دهند که استعاره‌هایی که در انجیل برای خدا استفاده شده‌اند، براساس نظریهٔ آمیزهٔ مفهومی به خوبی تحلیل و تبیین می-شوند. جوی[4]، شری[5] و دسچنز[6] (2009) به بررسی نظریهٔ آمیزهٔ مفهومی (Fauconnier & Turner, 1998) در تبلیغات پرداخته‌اند و درک مفاهیم تبلیغاتی توسط مصرف‌کنندگان را مورد مطالعه قرار داده‌اند. آنها نتیجه گرفته‌اند که نظریهٔ آمیزهٔ مفهومی است که کمک می‌کند کلمات و تصاویر تبلیغاتی، مصرف‌کننده را تحت تأثیر قرار دهند و او را وادار به عمل نمایند.

1. Quinn
2. Descamp
3. Sweester
4. Joy
5. Sherry
6. Deschenes

۳. چارچوب نظری پژوهش

فوکونیه و ترنر (1996) مسألهٔ جدیدی را در زبانشناسی شناختی و استعاره مطرح کردند. آن‌ها نشان دادند که همهٔ استعاره‌ها از مطابقت حوزهٔ مبدأ و مقصد، آنگونه که در دیدگاه لیکاف و جانسون (1980) مطرح شده بود، ساخته نمی‌شوند و حتی گاهی این حوزه‌ها در تضـاد با یکدیگر هسـتند. از دیدگاه آنها، بحث اسـتعاره‌های مفهومی، زیرمجموعهٔ بحث گسـترده‌تری اسـت که در آن چگونگی تعامل میان نظام‌های مفهومی با حوزه‌ها برر سی شده ا ست. در این مبحث گ سترده‌تر ن شان داده می‌شـود چگونه عناصـر یک حوزه وارد حوزهٔ دیگر شـده و یا اینکه چگونه دو حوزه با هم پیوند می‌خورند. آنها در نظریه‌ای که ارائه می‌دهند به جای حوزه‌های مفهومی از «فضـاهای ذهنی» اسـتفاده می‌کنند. بر طبق تعریف فوکونیه و ترنر (1999)، فضاهای ذهنی بسته‌های مفهومی کوچکی هستند که به صورت «آنی» و در هنگام سخن گفتن یا تفکرکردن در ذهن آدمی ساخته می شوند. ب سیاری از اسـتعاره‌ها به جای اینکه از طریق مطابقت میان حوزه‌های مبدأ و مقصـد سـاخته شده باشند، از ترکیب فضاهای ذهنی و تولید فضای جدیدی که «فضای آمیخته[1]» و یا «آمیزه» نامیده می‌شـود، به وجود می‌آیند. آنها این نظریهٔ جدید را «نظریهٔ آمیزهٔ مفهومی» نامیدند و البته در مقاله‌های بعدی خود از ا صطلاح «نظریهٔ تلفیق مفهومی[2]» نیز استفاده کردند. از دیدگاه آنها، آمیزهٔ مفهومی یک عملکرد شناختی اساسی در خلق معنای جدید متفاوت از معانی کهنه است.

1. Blended space
2. Conceptual Integration Theory

برطبق نظریهٔ فوکونیه و ترنر (1998, 2002)، هنگام شکل‌گیری استعاره، چهار فضای ذهنی وجود دارد که عبارتند از: دو فضای دروندادا[1]، یک فضای عام[2] و یک فضای آمیخته. این فضاها معادل حوزه‌های مفهومی در نظریهٔ استعاره مفهومی نیستند، اما به آنها وابسته‌اند(Fauconnier & Turner, 1999). فضاهای ذهنی طرحواره‌های ویژه‌ای را ارائه می‌دهند که به وسیلهٔ حوزه‌ها ساخته شده‌اند (Grady, Oakley, Coulsoun, 1999).

الف) فضاهای دروندادی: دو فضای دروندادی فضاهایی هستند که هر یک ساختار شناختی مخصوص به خودشان را دارند. میان این دو فضا، مطابقت‌هایی وجود دارد که «مطابقت میان فضایی[3]» نامیده می‌شود.

در شکل ۱ این فضاها نشان داده شده است. نقطه‌هایی که در هر فضای دروندادی قرار دارند، نشان‌دهندهٔ ویژگی‌های هر فضا هستند. همان‌طور که در این شکل نشان داده شده است، همهٔ ویژگی‌های دو درونداد با هم مطابقت ندارند، این مطابقت، تنها بین برخی از ویژگی‌های دو درونداد وجود دارد (Fauconnier & Turner, 1998, 2002; Fauconnier, 1997).

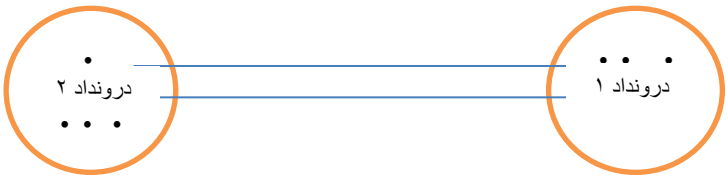

شکل (۱): فضاهای درونداد و مطابقت میان آنها (Fauconnier & Turner, 2002: 43)

1. Input Spaces
2. Generic Space
3 Cross-space Mapping

ب) فضای عام: فضای عام فضای ذهنی دیگری است که مشترکات میان فضاهای دروندادی را نشان می‌دهد. باید توجه داشت که فضای عام ساختاری انتزاعی دارد (Fauconnier & Turner, 1998, 2002).

در شکل۲ فضای عام نشان داده شده است. این فضا، در بالای دو فضای دروندادی قرار دارد.

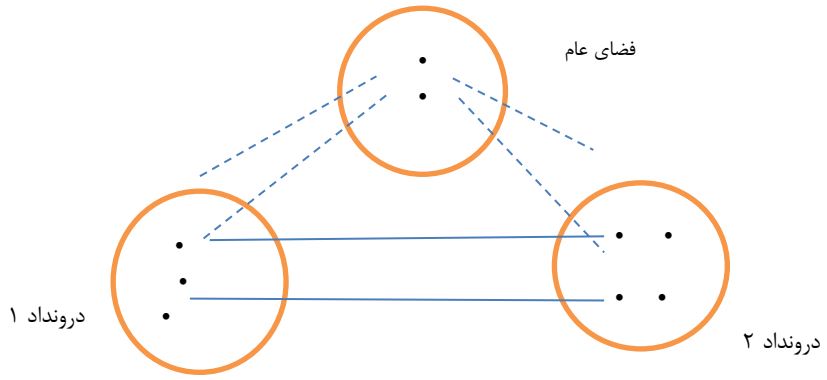

شکل (۲): فضای عام (Fauconnier & Turner, 2002: 44)

ج) فضای آمیخته: فضای آمیخته فضایی است که هدف نهایی استعاره به شمارمی‌رود. باید توجه داشت که ویژگی‌های فضاهای دروندادی به این فضا فرافکنی می‌شوند. علاوه بر این، ساخت نوظهور، در همین فضا به‌وجود می‌آید. شکل۳ فضای آمیخته را نشان می‌دهد. این فضا در قسمت پایین دو فضای دروندادی قرار می‌گیرد.

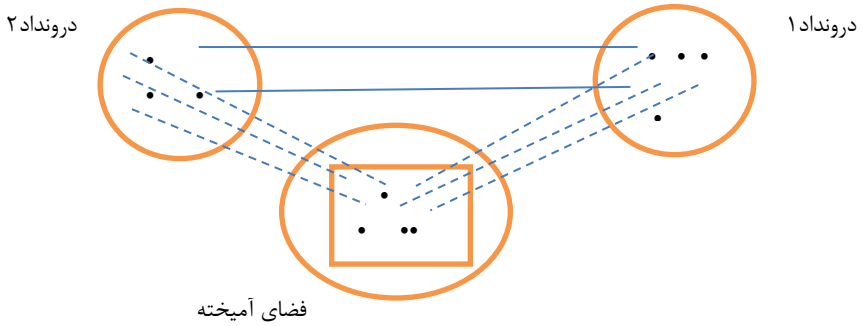

شکل (۳): فضای آمیخته (Fauconnier & Turner, 2002: 44)

با توجه به آنچه تاکنون دربارهٔ انواع فضاهای ذهنی موجود در نظریهٔ آمیزهٔ مفهومی مطرح شده از سوی فوکونیه و ترنر (1998, 2002) بیان شد، در شکل ۴ شبکهٔ تلفیقی کامل از همهٔ فضاهای ذهنی مورد نظر نشان داده شده است.

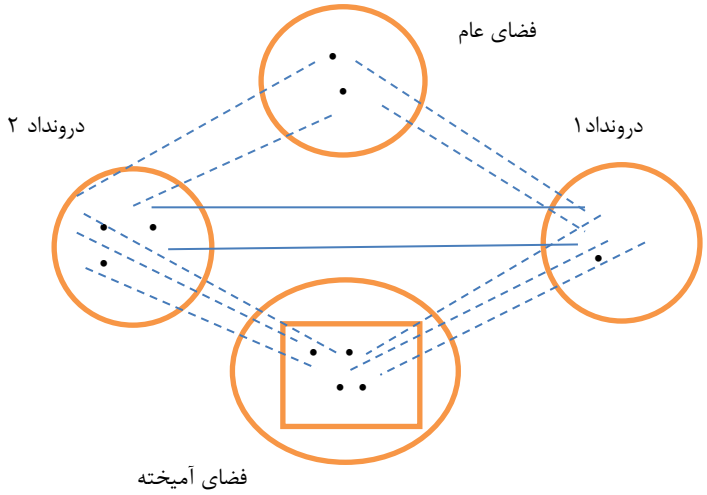

شکل (۴): شبکه تلفیقی (Fauconnier & Turner, 2002: 45)

۲. روش‌شناسی پژوهش

لازم به ذکر است که پژوهش حاضر پژوهشی نظری است که در آن از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است و داده‌های آن بر اساس روش توصیفی ــ تحلیلی بررسی شده‌اند. برای این امر، بوستان سعدی به دقت مطالعه شده است و تمامی ا ستعاره‌های به کار رفته در آن، ا ستخراج گردیده‌اند. سپس، تمامی ا ستعاره‌ها مورد تو صیف و تحلیل قرار گرفته‌اند تا حوزهٔ مفهومی مورد ا ستفاده در ساخت فضاهای ذهنی آن‌ها مشخص گردد. پس از مشخص‌شدن همهٔ حوزه‌های مفهومی، این حوزه‌ها در ۱۳ گروه دسته‌بندی شده‌اند. سپس معنادار بودن یا معنادار نبودن بسامد استفاده از انواع حوزه‌های مفهومی به‌کاررفته در ساخت انواع فضاهای ذهنی با استفاده از آزمون خی ۲[1] در نرم‌افزار اس. پی. اس. اس. مورد سنجش قرار گرفته‌اند.

۳. توصیف و تحلیل داده‌ها

این قسمت به توصیف و تحلیل داده‌های پژوهش اختصاص دارد. برای توصیف و تحلیل داده‌ها، ابتدا باید این موضوع را مورد توجه قرار داد که در استعاره‌های به‌کاررفته در بوستان سعدی، که داده‌های پژوهش حاضر محسوب می‌شوند، از چه حوزه‌های مفهومی در ساخت انواع فضاهای ذهنی مطرح شده در نظریهٔ آمیزهٔ مفهومی (Fauconnier & Turner, 1998, 2002) استفاده شده است. سپس، این داده‌ها بر اساس انواع فضاهای ذهنی مطرح‌شده در این نظریه توصیف و تحلیل می‌شوند.

1. Chi-Square test

در پژوهش حاضر، واژه‌ها و اصطلاحات استعاری مورد استفادهٔ سعدی در بوستان (یا همان حوزه‌های مفهومی)، درونداد اول هستند که به چند دسته تقسیم شده‌اند. انواع این حوزه‌های مفهومی به این صورت شناسایی و دسته‌بندی شده‌اند: جاندار-پنداری، «سفر» برای مفهوم «زندگی»، استفاده از جهت‌ها برای هستارهای مثبت و منفی، پدیده‌های طبیعی، حیوانات، مزه‌ها، کشاورزی، اعضای بدن، مظروف بودن هستارهایی که ظرف نیستند، اشیا، افعال، شخصیت‌های انسانی و محل.

۳ـ۱. حوزهٔ مفهومی جاندارپنداری

منظور از استعارهٔ جاندارپنداری این است که ویژگی‌هایی که مخصوص انسان‌ها هستند، به غیرانسان‌ها نسبت داده می‌شوند. در این استعاره‌ها، دو درونداد وجود دارد، درونداد اول، «موجود غیرانسان» است که ویژگی‌های انسانی به خود گرفته است و درونداد دوم «انسان» است که در دنیای واقعی این ویژگی‌ها را دارد. از ترکیب این دو درونداد، فضای آمیخته‌ای ایجاد می‌شود که در آن موجودی غیر-انسان توانایی انجام کارهای انسانی را پیدا می‌کند. به‌عنوان مثال، «سرتافتن از دوستی» از ویژگی‌های انسان است که در مثال ۱ به «اقبال» که غیرانسان است، نسبت داده شده است. «اقبال» از درونداد اول و «سرتافتن از دوستی» از درونداد دوم به فضای آمیخته فرافکنی شده‌اند و استعاره‌ای را به‌وجود آورده‌اند که در آن «اقبال از دوستی سرتافته است». «هستار و کنش» فضای عام این استعاره هستند.

۱. چو اقبالش از دوستی سر بتافت بناکام دشمن بر او دست یافت (سعدی، ۱۳۷۹: ۶۱).

در ادامهٔ تحلیل داده‌ها، برای صرفه‌جویی در تعداد صفحات از ارائه شکل برای هر مثال صرف نظر شده است.

در جدول ۱، مثال‌های بیشتری برای مفهوم «جاندارپنداری» بیان شده است. باید به این نکته توجه داشت که ممکن است در یک بیت بیش از یک استعاره با مفاهیم متعدد استفاده شده باشد که در این جا برای انسجام بیشتر مطالب، تنها فضاهای ذهنی مفهوم مورد نظر در هر دسته‌بندی مشخص و ارائه شده است.

جدول (۱): مثال‌هایی برای حوزهٔ مفهومی «جاندارپنداری»

بیت	درونداد ۱	درونداد ۲	فضای عام	فضای آمیخته
۲. دگر مرکب عقل را پویه نیست عنانش بگیرد تحیر که بیست (سعدی، ۱۳۷۹: ۳۵)	عقل تحیر	مرکب انسان عنان گرفتن	هستار کنش	مرکب عقل تحیر عنانش بگیرد
۳. چو لشکر برون تاخت خشم از کمین نه انصاف ماند نه تقوی نه دین (سعدی، ۱۳۷۹: ۴۸)	خشم	لشکر برون تاختن	کنش	خشم لشکر برون تاخت
۴. زهی چشم دولت به روی تو باز سر شهریاران گردن فراز (سعدی، ۱۳۷۹: ۴۰)	دولت	باز بودن چشم	کنش	چشم دولت باز است
۵. در ایام سلطان روشن نفس نبیند دگر فتنه بیدار کس سعدی، ۱۳۷۹: ۵۵)	فتنه	بیدار بودن	کنش	فتنه بیدار است
۶. چنان آسمان بر زمین شد بخیل که لب تر نکردند زرع و نخیل (سعدی، ۱۳۷۹: ۵۸)	آسمان زرع و نخیل	بخیل شدن لب تر کردن	کنش کنش	آسمان بخیل شد زرع و نخیل لب تر نکردند

جدول (۲): بسامد، درصد، میانگین و نتیج آزمون خی ۲ برای استفاده از حوزهٔ مفهومی «جاندارپنداری»

بسامد	۶۷
درصد	۷/۲
میانگین	۶/۰۹
تعداد کل حوزه‌های مفهومی	۹۲۳
میزان خی ۲	۶/۳۷۲
درجه آزادی	۱
سطح معناداری	۰/۰۱۲

با توجه به نتایج جدول ۲ و سطح معناداری (۰/۰۱۲ > ۰/۰۵)، از لحاظ آماری این رابطه معنادار محسوب می‌شود. بنابراین، بسامد استفاده از حوزهٔ مفهومی «جاندارپنداری» به‌عنوان زیر مجموعه‌ای از انواع حوزه‌های مفهومی به‌کاررفته در فضاهای ذهنی مورد استفاده در بوستان سعدی معنادار است. در نتیجه، بر اساس سنجش حوزهٔ مفهومی «جاندارپنداری» فرضیهٔ ۳ تأیید می‌گردد.

۳ـ۲. حوزهٔ مفهومی «سفر» برای مفهوم «زندگی»

حوزهٔ مفهومی«سفر» برای مفهوم «زندگی» در ابیات بوستان سعدی به صورت استعاری به‌کار رفته است. ابیات بوستان نشان می‌دهد از دیدگاه سعدی «زندگی» همچون «طی‌کردن یک مسیر برای رسیدن به هدفی مشخص» است. در واقع، استعارهٔ «زندگی سفر است» در ابیات بوستان سعدی به وضوح دیده می‌شود. در اغلب این استعاره‌ها، «سفرکردن» و «طی‌کردن مسیر» از درونداد

اول و «زندگی» و «گذر عمر» از درونداد دوم وارد فضای آمیخته شده‌اند و ساخت نوظهور را در این استعاره‌ها به وجود آورده‌اند. به عنوان نمونه، مثال ۷ «زندگی‌کردن» را به صورت «طی‌کردن راه» نشان می‌دهد که این «راه» می‌تواند به «دوزخ» برسد. همچنین، در مصراع دوم نیز، از «راه دیگر» سخن می‌گوید که این امر نشان می‌دهد شاعر «زندگی‌کردن» را «طی‌کردن مسیر» می‌داند. «انسان»، «سفر کردن» و «طی راه» درونداد اول و «انسان»، «زندگی‌کردن» و «دوزخ» درونداد دوم هستند. هنگام تشکیل ساخت نوظهور «طی راه» از درونداد اول و «دوزخ» از درونداد دوم به فضای آمیخته وارد شده‌اند و استعاره «راه دوزخ» را به‌وجود آورده‌اند.

۷. گر او راه دوزخ گرفت از خسی از این راه دیگر تو در وی رسی (سعدی، ۱۳۷۹: ۱۵۹).

در جدول ۳، مثال‌های بیشتری برای حوزهٔ مفهومی «زندگی سفر است» ارائه شده است.

با توجه به نتایج آزمون خی ۲ در ارتباط با حوزهٔ مفهومی «سفر» برای مفهوم «زندگی» و سطح معناداری (۰/۹۷۹ > ۰/۰۵)، از لحاظ آماری، این رابطه معنادار نیست. بنابراین، بسامد استفاده از حوزهٔ مفهومی «سفر» برای مفهوم «زندگی» به‌عنوان زیر مجموعه‌ای از انواع حوزه‌های مفهومی به‌کاررفته در استعاره‌های بوستان سعدی معنادار نیست. بدین‌ترتیب، براساس سنجش حوزهٔ مفهومی «سفر» برای زندگی، فرضیهٔ ۳ رد می‌گردد.

جدول (۳): مثال‌های بیشتر برای حوزهٔ مفهومی «زندگی سفر است»

بیت	دروداد۱	دروداد۲	فضای عام	فضای آمیخته
۸. چنین نقل دارم ز مردان راه فقیران منعم، گدایان شاه (سعدی، ۱۳۷۹: ۱۰۵)	زندگی سفر است	مردان زندگی‌کردن	کنش	مردان راه
۹. و گر خشم گیرد به کردار زشت چو باز آمدی ماجری در نوشت (سعدی، ۱۳۷۹: ۳۳)	زندگی سفر است	برگشتن	کنش	چو باز آمدی
۱۰. توقع مدار ای پسر گر کسی که بی سعی هرگز به منزل رسی (سعدی، ۱۳۷۹: ۱۰۶)	زندگی سفر است	به منزل رسیدن	کنش	بی سعی به منزل رسی
۱۱. که خاصان در این ره فرس رانده‌اند به لا اُحصی از تگ فرومانده‌اند (سعدی، ۱۳۷۹: ۳۵)	زندگی سفر است	فرس راندن	کنش	در این ره فرس رانده‌اند
۱۲. اگر مرد عشقی کم خویش گیر و گر نه ره عافیت پیش گیر (سعدی، ۱۳۷۹: ۱۱۱)	زندگی سفر است	عافیت خواستن	کنش	ره عافیت پیش گیر

جدول (۴): بسامد، درصد، میانگین و نتایج آزمون خی ۲ در ارتباط با استفاده از حوزهٔ مفهومی سفر برای مفهوم زند

بسامد	۷۳
درصد	۷/۹
میانگین	۶/۶۳
تعداد کل حوزه‌های مفهومی	۹۲۳
میزان خی۲	۰/۰۰۱
درجه آزادی	۱
سطح معناداری	۰/۹۷۹

۳ـ۳. حوزهٔ مفهومی «استفاده از جهت‌ها برای هستارهای مثبت ومنفی»

آنچه ابیات مختلف بوستان سعدی نشان می‌دهد، بیانگر این موضوع است که شاعر برای نشان‌دادن «هستارهای با ارزش و مثبت» از «جهت بالا» و «هستارهای کم-ارزش و منفی» از «جهت پایین» استفاده می‌نماید. برای نمونه، می‌توان به این مطلب اشاره کرد که شاعر برای نشان‌دادن ویژگی «بزرگی» از میان همهٔ پوشش-های مورد استفاده انسان، از «کلاه» نام می‌برد و اصطلاح «کلاه خداوندی» را استفاده می‌نماید. علت این امر این است که کلاه، در میان پوشش‌هایی که انسان استفاده می‌کند، در بالاترین قسمت بدن آدمی قرار می‌گیرد. عکس این موضوع نیز صادق است. بدین گونه که هرگاه شاعر یک ویژگی منفی را بیان می‌کند، از جهت «پایین» استفاده می‌کند. برای مثال، برای نشان دادن «بدبختی» که یک «ویژگی منفی» به شمار می‌رود، اصطلاح «گلیم شقاوت» را به‌کار می‌برد. واضح است که جایگاه «گلیم» همیشه «پایین و زیر پا» است. برای نمونه، در مثال ۱۳ «مقام بهتر» را «مقام بلند» می‌داند، چون هستارهای باارزش و مثبت در جایگاهی بالاتر قرار دارند. در این استعاره، «انسان» و «مقام بهتر» درونداد اول و «شئ باارزش» و «در بلندی قرار داشتن» درونداد دوم هستند. برای ایجاد ساخت نوظهور «انسان» و «مقام» از درونداد اول و «در بلندی قرار داشتن» از درونداد دوم به فضای آمیخته منتقل شده‌اند و استعاره‌ی «مقام بلند» را به‌وجود آورده‌اند.

۱۳. چو استاده‌ای بر مقامی بلند بر افتاده گر هوشمندی مخند (سعدی، ۱۳۷۹: ۱۱۶).

در جدول ۵، مثال‌های بیشتری برای حوزهٔ مفهوی «استفاده از جهت‌ها برای هستارهای مثبت و منفی» ارائه گردیده است.

جدول (۵): مثال‌هایی برای حوزهٔ مفهومی «جهت‌های مختلف برای هستارهای با ارزش و مثبت و هستارهای کم-ارزش و منفی»

بیت	دروندادا۱	دروندادا۲	فضای عام	فضای آمیخته
۱۴. کلاه سعادت یکی بر سرش گلیم شقاوت یکی در برش (سعدی، ۱۳۷۹: ۳۴)	سعادت شقاوت	بزرگی بالا است بدبختی پایین است	هستار هستار	کلاه سعادت گلیم شقاوت
۱۵. کله گوشه بر آسمان برین هنوز از تواضع سرش بر زمین (سعدی، ۱۳۷۹: ۳۸)	سعادت تواضع	بزرگی بالا است تواضع پایین است	هستار هستار	کله بر آسمان سر بر زمین
۱۶. نه یوسف که چندان بلا دید و بند چو حکمش روان گشت و قدرش بلند (سعدی، ۱۳۷۹: ۲۰۰)	قدر	بزرگی بالا است	هستار	قدرش بلند گشت
۱۷. اگر بنده‌ای سر به این در بنه کلاه خداوندی از سر بنه (سعدی، ۱۳۷۹: ۴۰)	بزرگی	بزرگی بالا است	هستار	کلاه خداوندی
۱۸. چو خواهی که قَدرت بماند بلند دل، ای خواجه، در ساده‌رویان مبند (سعدی، ۱۳۷۹: ۴۷)	قَدر	بزرگی بالا است	هستار	قدرت بلند بماند

جدول (۶): بسامد، درصد، میانگین و نتایج آزمون خی۲ برای استفاده ازحوزهٔ مفهومی «جهت‌ها»

بسامد	۱۹
درصد	۲/۰۵
میانگین	۱/۷۲
تعداد کل حوزه‌های مفهومی	۹۲۳
میزان خی۲	۱/۲۸۵
درجه آزادی	۱
سطح معناداری	۰/۲۵۷

براساس نتایج جدول و سطح معناداری (۰/۲۵۷>۰/۰۵)، از لحاظ آماری، ارتباط معناداری میان متغیرها وجود ندارد. بنابراین، بسامد استفاده از حوزهٔ مفهومی «جهت‌ها برای هستارهای مثبت و منفی» به‌عنوان زیر مجموعه‌ای از حوزه‌های مفهومی به‌کاررفته در استعاره‌های بوستان سعدی معنادار نیست. بنابراین، بر اساس سنجش این حوزهٔ مفهومی، فرضیهٔ ۳ رد می‌گردد.

۳ـ۴. حوزهٔ مفهومی «پدیده‌های طبیعی»

از جمله مفاهیم دیگری که سعدی در کتاب بوستان، هنگام ساخت استعاره‌ها از آنها بسیار بهره برده است، «پدیده‌های طبیعی» هستند. «پدیده‌های طبیعی» در این استعاره‌ها به عنوان درونداد اول مورد استفاده قرار گرفته‌اند تا بسیاری از مفاهیم انتزاعی را که درونداد دوم محسوب می‌شوند، برای مخاطب محسوس‌تر و قابل درک کنند. «درخت»، «آتش»، «گل»، «خورشید»، «خار»، «طوفان» و ... از جملهٔ پدیده‌های طبیعی پرکاربرد دربوستان سعدی هستند. در اغلب این استعاره‌ها، «هستار» فضای عام دروندادها به شمار می‌رود. «فاعل» و «کنش» فضاهای عام دیگری هستند که گاهی در این استعاره‌ها استفاده می‌شوند. برای نمونه، در مثال ۱۹، «غبار» استعاره از «کینه» است. درونداد اول در این استعاره «غبار» و «شستن» و درونداد دوم «دل» و «کینه» هستند. در تشکیل ساخت نوظهور، «غبار» و «شستن» از درونداد اول و «دل» از درونداد دوم وارد فضای آمیخته شده‌اند و استعاره «شستن غبار از دل» را به وجود آورده‌اند. «فاعل» و «کنش» فضای عام این استعاره هستند.

۱۹. چو دستت رسد مغز دشمن برآر که فرصت فروشوید از دل غبار (سعدی، ۱۳۷۹:۱۲۰).

در جدول ۷، مثال‌های بیشتری برای حوزهٔ مفهومی «پدیده‌های طبیعی» بیان شده است.

جدول (۷): مثال‌های بیشتر برای حوزهٔ مفهومی «پدیده‌های طبیعی»

بیت	دروداد۱	دروداد۲	فضای عام	فضای آمیخته
۱۵-بمُردم در این موج دریای خون کز او کس نبرده‌ست کشتی برون (سعدی، ۱۳۷۹: ۳۵)	دریای خون	شناخت پروردگار	هستار	در موج دریای خون مُردم
۱۶-که در بحر لؤلؤ صدف نیز هست درخت بلندست در باغ و پست (سعدی، ۱۳۷۹: ۳۷)	بحر باغ	جامعه جامعه	هستار هستار	در بحر لؤلؤ است در باغ انواع درخت است
۱۷-در این بحر جز مرد داعی نرفت گم آن شد که دنبال راعی نرفت (سعدی، ۱۳۷۹: ۳۵)	بحر	شناخت خدا	هستار	جز مرد داعی در این بحر کسی نمی‌رود
۱۸-گر از نیستی دیگری شد هلاک تو را هست، بط را ز طوفان چه باک (سعدی، ۱۳۷۹: ۵۸)	طوفان	جامعه در شرایط سخت	هستار	بط را از طوفان چه باک
۱۹-گل آورد سعدی سوی بوستان به شوخی و فلفل به هندوستان (سعدی، ۱۳۷۹: ۳۸)	گل	شعر	هستار	سعدی به بوستان گل آورد

جدول (۸): بسامد، درصد، میانگین و نتایج آزمون خی۲ برای استفاده از حوزهٔ مفهومی «پدیده‌های طبیعی»

بسامد	۱۵۷
درصد	۱۷
میانگین	۱۴/۲۷
تعداد کل حوزه‌های مفهومی	۹۲۳
میزان خی ۲	۷/۱۷۸
درجه آزادی	۱
سطح معناداری	۰/۰۰۷

بر اساس نتایج جدول ۸ و سطح معناداری (۰/۰۰۷ > ۰/۰۵)، از لحاظ آماری، معنادار محسوب می‌شود. بنابراین، بسامد استفاده از حوزهٔ مفهومی «پدیده‌های طبیعی» به‌عنوان زیرمجموعه‌ای از انواع حوزه‌های مفهومی در استعاره‌های بوستان سعدی معنادار است. پس، براساس سنجش حوزهٔ مفهومی «پدیده‌های طبیعی»، فرضیهٔ ۳ تایید می‌گردد.

۳ـ۵. حوزهٔ مفهومی «حیوانات»

«حیوانات» می‌توانند فضای ذهنی بسیاری از استعاره‌ها باشند. در این استعاره‌ها، «حیوانات» درونداد اول هستند. در بیشتر این استعاره‌ها «انسان» درونداد دوم قرار می‌گیرد. هنگام فرافکنی فضاهای دروندادی و چارچوب‌ها به فضای آمیخته، در این استعاره‌ها، فرهنگ نقش بسیار زیادی دارد. این فرهنگ هر جامعه‌ای است که مشخص می‌کند کدام ویژگی هر «حیوان» برجسته‌تر از سایر ویژگی‌ها باشد و هنگام ساخت هر استعاره، کدام «حیوان» به عنوان درونداد اول قرار گیرد. در ابیات زیر «حیوانات» به صورت استعاری استفاده شده‌اند. درواقع، برای بیان بسیاری از ویژگی‌های انسانی از «حیوانات» استفاده می‌شود. به عنوان نمونه، در مثال ۲۰ «خر» استعاره از «انسان نادان» است. درونداد اول در این استعاره «خر» و «پالان زیبا داشتن» و درونداد دوم «انسان نادان» و «لباس اطلسی پوشیدن» است. برای ایجاد ساخت نوظهور، «خر» از درونداد اول و «لباس اطلسی پوشیدن» از درونداد دوم به فضای آمیخته فرافکنی شده است و استعارهٔ «اگر خر لباس اطلسی بپوشد باز هم خر است» را به‌وجود آورده‌اند. «فاعل» و «کنش» فضای عام این استعاره هستند.

۲۰. نه منعم به مال از کسی بهتر است خر ار جل اطلس بپوشد خر است (سعدی، ۱۳۷۹: ۱۲۰).

در جدول ۹ مثال‌های بیشتری برای حوزهٔ مفهومی «حیوانات» ارائه گردیده است.

جدول (۹): مثال‌های بیشتر برای حوزهٔ مفهومی «حیوانات»

بیت	دروندادِ ۱	دروندادِ ۲	فضای عام	فضای آمیخته
۲۱. یکی باز را دیده بر دوخته است یکی دیده‌ها باز و پر سوخته است (سعدی، ۱۳۷۹: ۳۵)	باز	انسان عارف	هستار	دیده باز را دوخته است
۲۲. نیاید به نزدیک دانا پسند شبان خفته و گرگ در گوسفند (سعدی، ۱۳۷۹: ۴۲)	گرگ گوسفند	انسان ظالم انسان مظلوم	هستار هستار	گرگ در گوسفند است
۲۳. نبینی که چون با هم آیند مور ز شیران جنگی بر آرند شور (سعدی، ۱۳۷۹: ۵۷)	مور شیر	انسان ضعیف انسان قوی	هستار هستار	موران ز شیران جنگی برآرند شور
۲۴. نمی‌ترسی ای گرگ ناقص خرد که روزی پلنگیت بر هم درد (سعدی، ۱۳۷۹: ۶۳)	گرگ پلنگ	انسان ظالم انسان قوی	هستار هستار	پلنگی گرگ ظالم را بر هم دَرَد
۲۵. به پیکار دشمن دلیران فرست هزبران به آورد شیران فرست (سعدی، ۱۳۷۹: ۷۵)	هزبران شیران	سربازان شجاع دشمنان	هستار هستار	هزبران به آورد شیران فرست

جدول (۱۰): بسامد، درصد، میانگین و نتایج آزمون خی۲ برای استفاده از حوزهٔ مفهومی «حیوانات»

بسامد	۷۴
درصد	۷/۹
میانگین	۶/۷
تعداد کل حوزه‌های مفهومی	۹۲۳
میزان خی ۲	۸/۷۰۳
درجه آزادی	۱
سطح معناداری	۰/۰۰۳

طبق نتایج جدول ۱۰ و سطح معناداری (۰/۰۰۳ >۰/۰۵)، از لحاظ آماری، این نتیجه معنادار است. بنابراین، بسامد استفاده از حوزهٔ مفهومی «حیوانات» به‌عنوان زیرمجموعه‌ای از انواع حوزه‌های مفهومی به‌کاررفته در استعاره‌های بوستان سعدی معنادار است. درنتیجه، براساس سنجش حوزهٔ مفهومی «حیوانات» فرضیهٔ ۳ تایید می‌گردد.

۳ـ۶. حوزهٔ مفهومی «مزه‌ها»

یکی دیگر از حوزه‌های مفهومی که در استعاره‌های بوستان سعدی استفاده شده است، «مزه‌ها» هستند. برای محسوس‌تر شدن بسیاری از مفاهیم انتزاعی مثل «خوشایند بودن» یا «ناخوشایند بودنِ» امری از «مزه‌ها» همانند «تلخ»، «شیرین» و یا «ترش» به‌عنوان درونداد اول استفاده شده است. دلیل این امر این است که انسان‌ها درک بسیار واضح و دقیقی از «مزه‌ها» دارند، بنابراین در درک مسائل انتزاعی می‌توانند از آنها کمک بگیرند. برای نمونه، در مثال ۲۶، صحبت‌کردن به روش نیکو «لفظ شیرین» نامیده شده است. «مزه» و «شیرین» درونداد اول و «لفظ» و «روش نیکو» درونداد دوم هستند. «شیرین» از درونداد اول و «لفظ» از درونداد دوم به فضای آمیخته فرافکنی شده‌اند و استعارهٔ «لفظ شیرین» را ساخته اند. فضای عام این استعاره «هستار» است.

در جدول ۱۱، مثال‌های بیشتری برای حوزهٔ مفهومی «مزه‌ها» ذکر شده است.

جدول (۱۱): مثال‌های بیشتر برای حوزهٔ مفهومی «مزه‌ها»

بیت	دروندادا۱	دروندادا۲	فضای عام	فضای آمیخته
۲۷. ترش روی بهتر کند سرزنش که یاران خوش طبعِ شیرین منش (سعدی، ۱۳۷۹: ۶۹)	مزه شیرین	منش و رفتار	هستار	شیرین منش
۲۸. مبر تلخ عیشی ز روی تُرُش به آب دگر آتشش باز کُش (سعدی، ۱۳۷۹: ۱۰۵)	مزه تلخ	عیش	هستار	تلخ عیشی
۲۹. گه از دیدن عیش شیرین خلق فرو می‌شدی آب تلخش به حلق (سعدی، ۱۳۷۹: ۷۱)	مزه شیرین	عیش	هستار	عیش شیرین
۳۰. بر آن صد هزاز آفرین کاین بگفت حق تلخ بین تا چه شیرین بگفت (سعدی، ۱۳۷۹: ۱۲۰)	مزه تلخ مزه شیرین	حق گفتن	هستار کنش	حق تلخ شیرین گفتن
۳۱. گه از کار آشفته بگریستی که کس دید از این تلخ‌تر زیستی (سعدی، ۱۳۷۹: ۷۱)	مزه تلخ	زندگی کردن	کنش	از این تلخ‌تر زیستی

جدول (۱۲): نتایج آزمون خی ۲ برای فضاهای ذهنی «مزه‌ها»

بسامد	۳۲
درصد	۳/۴
میانگین	۲/۹
تعداد کل حوزه‌های مفهومی	۹۲۳
میزان خی ۲	۳/۸۷۲
درجه آزادی	۱
سطح معناداری	۰/۰۴۹

با توجه به نتایج جدول ۱۲ و سطح معناداری (۰/۰۴۹ > ۰/۰۵)، از لحاظ آماری، این رابطه معنادار محسوب می‌شود. بنابراین، بسامد استفاده از حوزهٔ مفهومی «مزه-ها» به‌عنوان زیرمجموعه‌ای از انواع حوزه‌های مفهومی به‌کار رفته در استعاره‌های بوستان سعدی معنادار است. در نتیجه، براساس سنجش حوزهٔ مفهومی «مزه‌ها» فرضیهٔ ۳ تایید می‌گردد.

۳-۷ حوزهٔ مفهومی «کشاورزی»

یکی دیگر از حوزه‌های مفهومی که کاربرد زیادی در بوستان سعدی دارد، مفهوم «کشاورزی» است. سعدی برای نشان دادن مفهوم «دریافت نتیجهٔ عمل» از حوزهٔ مفهومی «کشاورزی» استفاده می‌کند. علاوه بر این، مفهوم «دنیا مزرعه آخرت است» در فرهنگ ایرانی ـ اسلامی پذیرفته شده است و سعدی، از این مفهوم در ساخت استعاره‌های بوستان بسیار استفاده کرده است. درواقع، سعدی «دنیا» را همچون «مزرعه‌ای» می‌داند که آدمی نتایج همهٔ اعمالش را در «آخرت» می‌بیند. برای نمونه در مثال۳۲، از مفهوم «کاشتن» برای نشان‌دادن « نتیجه عمل» استفاده شده است. در این استعاره، «انسان»، «کاشتن» و «دروکردن محصول خود» درونداد اول و «انسان»، «انجام کاری» و «دیدن نتیجه» درونداد دوم هستند. برای ایجاد ساخت نوظهور «انسان»، «کاشتن» و «دروکردن محصول» از درونداد اول و «انجام کاری» از درونداد دوم به فضای آمیخته فرافکنی شده‌اند و استعاره‌ی «به‌جز کشتهٔ خویشتن ندروی» را به وجود آورده‌اند. «فاعل» و «کنش» فضای عام این استعاره محسوب می‌شوند.

۳۲. چو دشنام گویی دعا نشنوی بجز کشته‌ی خویشتن ندروی (سعدی، ۱۳۷۹: ۱۵۴).

درجدول ۱۳، مثال‌های بیشتری برای حوزهٔ مفهومی «کشاورزی» ارائه شده است.

جدول (۱۳): مثال‌های بیشتر برای حوزهٔ مفهومی «کشاورزی»

بیت	درونداد ۱	درونداد ۲	فضای عام	فضای آمیخته
۳۳. همینت بسنده‌ست اگر بشنوی که گر خار کاری سمن ندروی (سعدی، ۱۳۷۹: ۵۹)	کاشتن خار، سمن درو نکردن	انجام کار	کنش	گر خار بکاری سمن ندروی
۳۴. بدانی گَهِ غله برداشتن که سستی بود تخم ناکاشتن (سعدی، ۱۳۷۹: ۵۶)	گه غله برداشتن، تخم نکاشتن	انجام کار	کنش	وقت غله برداشتن بدانی سستی است تخم نکاری
۳۵. مگوی آنچه طاقت نداری شنود که جو کشته گندم نخواهی درود سعدی، ۱۳۷۹: ۱۵۴)	کاشتن جو، برداشت نکردن گندم	انجام کار	کنش	جو کشته، گندم برداشت نمی‌کند
۳۶. نپندارم ای در خزان کشته جو که گندم ستانی به وقت درو (سعدی، ۱۳۷۹: ۶۳)	کاشتن جو در خزان، برداشت گندم	انجام کار	کنش	در خزان جو بکاری گندم درو نمی‌کنی
۳۷. برفتند و هر کس درود آنچه کشت نماند به جز نام نیکو و زشت (سعدی، ۱۳۷۹: ۱۸۸)	درو کردن	انجام کار	کنش	هر کس درود آنچه کشت

جدول (۱۴): بسامد، درصد، میانگین و نتایج آزمون خی۲ برای استفاده ازحوزهٔ مفهومی «کشاورزی»

بسامد	۲۳
درصد	۲/۴
میانگین	۲/۰۹
تعداد کل حوزه‌های مفهومی	۹۲۳
میزان خی ۲	۸/۱۸۴
درجه آزادی	۱
سطح معناداری	۰/۰۰۴

نتایج جدول ۱۴ و سطح معناداری (۰/۰۰۴ >۰/۰۵) از لحاظ آماری، یک رابطه‌ی معنادار را نشان می‌دهد. بنابراین، بسامد استفاده از حوزهٔ مفهومی «کشاورزی» به‌عنوان زیرمجموعه‌ای از انواع حوزه‌های مفهومی به‌کاررفته در بوستان سعدی معنادار است. درنتیجه، براساس سنجش حوزهٔ مفهومی «کشاورزی» فرضیهٔ ۳ تأیید می‌گردد.

۳ـ۸. حوزهٔ مفهومی «اعضای بدن»

حوزهٔ مفهومی «اعضای بدن» یکی دیگر از حوزه‌های مفهومی مورد استفاده سعدی، در ساخت استعاره‌های کتاب بوستان است. «اعضای بدن» در ساخت این استعاره‌ها، درونداد اول به شمار می‌روند که برای درک مفاهیم انتزاعی مثل «جرأت‌داشتن» و یا «توانایی انجام عملی» مورد استفاده قرار می‌گیرند. البته، باید توجه داشت آنچه که تعیین می‌کند هر «عضو بدن» نشانگر کدام مفهوم انتزاعی باشد «فرهنگ جامعه» است. برای نمونه، در فرهنگ ایرانی، «زهره» عضوی است که ارتباط مستقیم با «جرأت‌داشتن» دارد. طبق این دیدگاه، کسی که «زهره» داشته باشد، «جرأت انجام کار» را نیز دارد. به عنوان نمونه، در مثال ۳۸، برای نشان‌دادن «مهم و در مرکز بودن» از «قلب» استفاده شده است. در این استعاره «انسان» و «قلب» درونداد اول و «هیجا» و «مرکز میدان» درونداد دوم هستند. هنگام ایجاد ساخت نوظهور «قلب» از درونداد اول و «هیجا» از درونداد دوم به فضای آمیخته فرافکنی شده‌اند و استعاره‌ی «قلب هیجا» را به‌وجود آورده‌اند. «هستار» فضای عام این استعاره است.

۳۸. بیندیش در قلب هیجا مفر چه دانی کران را که باشد ظفر؟ (سعدی، ۱۳۷۹: ۷۴).

در جدول ۱۵، مثال‌های بیشتری برای حوزهٔ مفهومی «اعضای بدن» بیان شده است.

جدول (۱۵): مثال‌های بیشتر برای حوزهٔ مفهومی «اعضای بدن»

بیت	دروندادِ ۱	دروندادِ ۲	فضای عام	فضای آمیخته
۳۹- نه زهره که فرمان نگیرد به گوش نه یارا که مست اندر آرد به دوش (سعدی، ۱۳۷۹: ۱۵۸)	انسان، زهره داشتن	جرأت داشتن	هستار	نه زهره که فرمان نگیرد
۴۰- دو همجنسِ همسفره‌ی همزبان بکوشند در قلب هیجا بجان (سعدی، ۱۳۷۹ :۳۳)	انسان، قلب	مهم بودن	هستار	بکوشند در قلب هیجا
۴۱- ندادند صاحبدلان دل به پوست وگر ابلهی داد بی‌مغز کوست (سعدی، ۱۳۷۹: ۳۸)	انسان، پوست	ظاهر	هستار	دل به پوست ندادند
۴۲- بدان زهره دستت زدم در رکاب که خود را نیاوردم اندر حساب سعدی، ۱۳۷۹: ۴۵)	انسان، زهره داشتن	جرأت داشتن	هستار	بدان زهره دستت زدم در رکاب
۴۳- که گفت ارنه سلطان اشارت کند که را زهره باشد که غارت کند (سعدی، ۱۳۷۹: ۱۱۰)	انسان، زهره داشتن	جرأت داشتن	هستار	که را زهره باشد

از آنجا که تعداد موارد مشاهده‌شده از حوزهٔ مفهومی «اعضای بدن» درباب‌های بوستان کمتر از ۵ بوده است، برای این حوزهٔ مفهومی جدول آزمون خی ۲ رسم نگردیده است. با وجود این، آنچه بیان شد نشان از این حقیقت دارد که این حوزهٔ مفهومی در بوستان سعدی به کار رفته است، هرچند میزان آن اندک است.

۳ـ۹. حوزهٔ مفهومی «مظروف بودن هستارهایی که ظرف نیستند»

هنگام ساخت بعضی از استعاره‌ها، هستارهایی که مظروف نیستند، ظرف فرض می‌شوند و استعاره‌هایی مبنی بر این فرض ساخته می‌شوند. در این استعاره‌ها، برای بیان وجود یا عدم وجود یک ویژگی در یک هستار، از مظروف بودن آن هستار سخن به میان می‌آید. برای مثال، در برخی از ابیات، برای بیان ویژگی «بی‌علم بودن» یک انسان از اصطلاح «انسان تهی» استفاده می‌کند. در واقع، در این مثال انسان ظرفی فرض شده است که می‌توان چیزی را در آن قرار داد. واضح است که در دنیای حقیقی این امر امکان ندارد و برای نشان دادن مفهوم انتزاعی « بی‌علم بودن» از این اصطلاح استفاده شده است. در ابیات بوستان سعدی، هستارهایی مثل «انسان»، «سر»، «دل» و ... ظرف فرض شده‌اند. در ساخت این استعاره‌ها، «ظرف و مظروف بودن هستارها» درونداد اول هستند و «وجود یا عدم وجود یک ویژگی در هستارها» درونداد دوم محسوب می‌شوند. برای نمونه، در مثال ۴۴ «ظرف» و «پر بودن» درونداد اول و «انسان» و «طمع» درونداد دوم هستند. برای ایجاد ساخت نوظهور «پر بودن» از درونداد اول و «طمع» از درونداد دوم به فضای آمیخته فرافکنی شده‌اند و استعاره‌ی «سر پر طمع» را به‌وجود آورده‌اند. «هستار» فضای عام این استعاره است.

۴۴. قناعت سرافرازد ای مرد هوش سر پر طمع بر نیاید ز دوش (سعدی، ۱۳۷۹: ۱۴۶).

در جدول ۱۶، مثال‌های بیشتری از حوزهٔ مفهومی «مظروف بودن هستارهایی که ظرف نیستند» بیان شده است.

جدول (۱۶): مثال‌های بیشتر برای حوزهٔ مفهومی «مظروف بودن هستارهایی که ظرف نیستند»

بیت	درونداد ۱	درونداد ۲	فضای عام	فضای آمیخته
۴۵. وز آن نیمه عابد سری پر غرور تُرُش کرده با فاسق ابرو زدور (سعدی، ۱۳۷۹: ۱۱۷)	پر بودن	سر، غرور	هستار	سری پر غرور دارد
۴۶. نصیحت که خالی بود از غرض چو داروی تلخ است، دفع مرض (سعدی، ۱۳۷۹: ۶۴)	خالی بودن	نصیحت	هستار	نصیحت از خرض خالی بود
۴۷. سرش خالی از عقل و پُر ز احتشام شکم فربه از لقمه‌های حرام (سعدی، ۱۳۷۹ :۱۱۷)	خالی بودن پر بودن	سر، عقل سر، احتشام	هستار هستار	سرش خالی از عقل و پر ز احتشام
۴۸. تو خود را گمان برده‌ای پر خرد انائی که پر شد دگر چون برد سعدی، ۱۳۷۹: ۱۲۸)	پر بودن پر شدنٌ	انسان اناء	هستار هستار	انسان پر خرد انائی که پر شد
۴۹. ز دعوی پری زان تهی می‌روی تهی آی تا پر معانی شوی (سعدی، ۱۳۷۹:. ۱۲۸)	پر بودن تهی بودن	دعوی داشتن عالم شدن	هستار هستار	ز دعوی پری، تهی می‌روی، پر معانی شدن

جدول (۱۷): بسامد، درصد، میانگین و نتایج آزمون خی۲ برای استفاده از حوزۀ مفهومی «مظروف بودن هستارهایی که ظرف نیستند»

بسامد	۲۴
درصد	۳/۶
میانگین	۲/۱۸
تعداد کل حوزه‌های مفهومی	۹۲۳
میزان خی ۲	۳/۹۲۴
درجه آزادی	۱
سطح معناداری	۰/۰۴۸

بر اساس نتایج جدول ۱۷ و سطح معناداری (۰/۰۴۸>۰/۰۵)، از لحاظ آماری، این رابطه معنادار است. در نتیجه، بسامد استفاده از حوزۀ مفهومی «مظروف بودن هستارهایی که ظرف نیستند» به‌عنوان زیرمجموعه‌ای از انواع حوزه‌های مفهومی به‌کاررفته در استعاره‌های بوستان سعدی معنادار است. بنابراین، براساس سنجش این حوزۀ مفهومی، فرضیۀ ۳ تأیید می‌گردد.

۳ـ۱۰. حوزۀ مفهومی «اشیاء»

از دیگر حوزه‌های مفهومی مورد استفاده در ساخت استعاره‌های بوستان سعدی «اشیاء» هستند. در این نوع استعاره‌ها «اشیاء» درونداد اول قرار می‌گیرند تا مفاهیمی انتزاعی را منتقل نمایند. دامنۀ این مفاهیم انتزاعی بسیار گسترده است و سعدی برای بیان بسیاری از مفاهیم از «اشیاء» استفاده می‌کند. به عنوان نمونه، در مثال ۵۰، «ابره» استعاره از «ظاهر» و «آستر» استعاره از «باطن» است. «ابره»،

«آستر» و «تمیز» درونداد اول و «ظاهر»، «باطن» و «پاکیزه‌تر» درونداد دوم هستند. «ابره» و «آستر» از درونداد اول و «پاکیزه‌تر» از درونداد دوم به فضای آمیخته فرافکنی شده‌اند و استعاره‌ی «کنند ابره پاکیزه‌تر ز آستر» را به‌وجود آورده اند. «هستار» فضای عام در این استعاره است.

۵۰. کنند ابره پاکیزه‌تر ز آستر که این در حجاب است و آن در نظر (سعدی، ۱۳۷۹: ۱۴۴).

در جدول ۱۸، مثال‌های بیشتری برای حوزهٔ مفهومی «اشیاء» ارائه شده است و بر اساس نتایج جدول ۱۹و سطح معناداری (۰/۰۰۲ > ۰/۰۵)، از لحاظ آماری این رابطه معنادار است. در نتیجه، بسامد استفاده از حوزهٔ مفهومی «اشیاء» به‌عنوان زیرمجموعه‌ای از انواع حوزه‌های مفهومی در استعاره‌های بوستان سعدی معنادار است. بنابراین، براساس سنجش حوزهٔ مفهومی «اشیاء» فرضیهٔ ۳ تأیید می‌گردد.

جدول (۱۸): مثال‌های بیشتر برای حوزهٔ مفهومی «اشیاء»

بیت	درونداد ۱	درونداد ۲	فضای عام	فضای آمیخته
۵۱- صدف‌وار گوهرشناسان راز دهان جز به لؤلؤ نکردند باز (سعدی، ۱۳۷۹: ۱۵۳)	لؤلؤ	سخن با ارزش	هستار	دهان باز کردن به لؤلؤ
۵۲- در این ورطه کشتی فرو شد هزار که پیدا نشد تخته‌ای بر کنار (سعدی، ۱۳۷۹: ۳۵)	کشتی	وجود انسان	هستار	کشتی فرو شد هزار
۵۳- دو رسته دُرَم در دهن داشت جای چو دیواری از خشت سیمین به چای (سعدی، ۱۳۷۹: ۵۰)	دُر	دندان	هستار	دو رسته دُر در دهن
۵۴- نخفته است مظلوم از آهش بترس ز دود دل صبحگاهش بترس (سعدی، ۱۳۷۹: ۶۳)	دود چراغ	سوز دل	هستار	دود دل
۵۵- زرافشان، چو دنیا بخواهی گذاشت که سعدی دُر افشاند اگر زر نداشت (سعدی، ۱۳۷۹: ۷۲)	دُر	سخن نیکو	هستار	دُر افشاند

جدول (۱۹): بسامد، درصد، میانگین و نتایج آزمون خی۲ برای استفاده از حوزهٔ مفهومی«اشیاء»

بسامد	۱۵۳
درصد	۱۶/۵
میانگین	۱۳/۹
تعداد کل حوزه‌های مفهومی	۹۲۳
میزان خی ۲	۹/۲۵۱
درجه آزادی	۱
سطح معناداری	۰/۰۰۲

۳ـ۱۱. حوزهٔ مفهومی « افعال»

در ساخت بسیاری از استعاره‌های بوستان سعدی از «افعال» استفاده شده است. در این استعاره‌ها، «افعال» معنایی غیر از معنای لفظی خود دارند. معنای لفظی «افعال» درونداد اول محسوب می‌شود. اما این «افعال» می‌توانند معنای دیگری به خود بگیرند که شاعر در ساخت استعاره از آنها استفاده می‌کند. در اغلب این استعاره‌ها، معنای استعاری درونداد دوم در ایجاد ساخت نوظهور و به‌وجودآمدن استعاره است. به‌عنوان نمونه، در مثال ۵۶ شاعر «جوانی» را کالایی می‌داند که «بذل دیگران می‌شود». درواقع، «بذل دیگران کردن» استعاره از «در خدمت دیگران بودن» است. درونداد اول در این استعاره «انسان»، «بذل‌کردن» و «کالا» و درونداد دوم «انسان»، «جوانی» و «در خدمت دیگران بودن» هستند. «انسان» و «بذل‌کردن» از درونداد اول و «جوانی» از درونداد دوم به فضای آمیخته فرافکنی شده‌اند و استعارهٔ «بذل‌کردن جوانی» را به وجود آورده‌اند. «فاعل» و «کنش» فضای عام هستند.

۵۶. چو بذل تو کردم جوانی خویش به هنگام پیری مرانم ز پیش (سعدی، ۱۳۷۹: ۴۴).

در جدول ۲۰، مثال‌های بیشتری برای حوزهٔ مفهومی «افعال» ذکر گردیده است و نتایج جدول ۲۱ و سطح معناداری (۰/۰۰۵ > ۰/۰۵) نشان می‌دهد از لحاظ آماری این رابطه معنادار است. در نتیجه، بسامد استفاده از حوزهٔ مفهومی «افعال» به‌عنوان زیرمجموعه‌ای از انواع حوزه‌های مفهومی به‌کاررفته در بوستان سعدی معنادار است. بنابراین، براساس سنجش حوزهٔ مفهومی «افعال»، فرضیهٔ ۳ تأیید می‌گردد.

جدول (۲۰): مثال‌های بیشتر برای حوزهٔ مفهومی «افعال»

بیت	دروداد۱	دروداد۲	فضای عام	فضای آمیخته
۵۷. دو کونش یکی قطره در بحر علم گنه بیند و پرده پوشد بحلم (سعدی، ۱۳۷۹: ۳۳)	گنه دیدن	آگاهی داشتن	کنش	خدا گنه بندگان را بیند
۵۸. پس پرده بیند عمل‌های بد همو پرده پوشد به آلای خود (سعدی، ۱۳۷۹: ۳۴)	پس پرده دیدن	آگاهی داشتن	کنش	پس پرده بیند
۵۹. مکن تا توانی دل خلق ریش وگر می‌کُنی می‌کَنی بیخ خویش (سعدی، ۱۳۷۹: ۴۲)	کندن بیخ خویش	نابود کردن	کنش	بیخ خویش را می‌کَنی
۶۰. شنیدم که خسرو به شیرویه گفت در آن دم که چشمش ز دیدن بخفت (سعدی، ۱۳۷۹: ۴۳)	خفتن	مُردن	کنش	چشمش ز دیدن بخفت
۶۱. طمع بند و دفتر زحکمت بشوی طمع بگسل و هر چه خواهی بگوی (سعدی، ۱۳۷۹: ۵۳)	شستن	حذف کردن	کنش	دفتر ز حکمت بشوی

جدول (۲۱): بسامد، درصد، میانگین و نتایج به دست آمده از ازمون خی۲ برای استفاده از حوزهٔ مفهومی «افعال»

بسامد	۱۸۸
درصد	۲۰
میانگین	۱۷/۰۹
تعداد کل حوزه‌های مفهومی	۹۲۳
میزان خی ۲	۸/۰۰۳
درجه آزادی	۱
سطح معناداری	۰/۰۰۵

۳ـ۱۲. حوزهٔ مفهومی «شخصیت‌های انسانی»

در این استعاره‌ها، منظور از حوزهٔ مفهومی «شخصیت‌های انسانی» این است که شاعر گاهی از شخصیت‌های مهمی که مخاطب آنها را می‌شناسد، برای بیان یک مفهوم انتزاعی استفاده می‌کند، که البته تحت تأثیر فرهنگ جامعه قرار دارد. علاوه بر این، شاعر، گاهی از شخصیت‌های ناشناخته استفاده می‌کند. این شخصیت‌های ناشناخته دارای یک ویژگی مشخص هستند که شاعر از آن ویژگی در معنای غیر لفظیِ آن استفاده می‌نماید. برای مثال، سعدی از «افتادگان» نام می‌برد و منظور او «افراد کم‌بضاعت و آسیب‌پذیر جامعه» هستند. به عنوان نمونه، در مثال ۶۲، «دوست» استعاره از «پروردگار» و «سرای» استعاره از «دل انسان» است. «دوست»، «پای نهادن» و «سرای» درونداد اول و «پروردگار»، «لطف و محبت داشتن» و «دل انسان» درونداد دوم هستند. «دوست»، «پا نهادن» و «سرای» از درونداد اول به فضای آمیخته فرافکنی شده‌اند و استعاره «پا نهادن دوست به سرای» را به‌وجود آورده‌اند. «فاعل» و «کنش» فضای عام در این استعاره هستند.

۶۲. ندانی که کمتر نهد دوست پای چو بیند که دشمن بود در سرای؟ (سعدی، ۱۳۷۹: ۱۹۰).

در جدول ۲۲، مثال‌های بیشتری از حوزهٔ مفهومی «شخصیت‌های انسانی» ارائه شده است و نتایج جدول ۲۳ و سطح معناداری (۰/۸ > ۰/۰۵)، حاکی از آن است که از لحاظ آماری، بین متغیرها رابطه‌ای معنادار وجود ندارد. بنابراین، بسامد استفاده از حوزهٔ مفهومی «شخصیت‌های انسانی» به‌عنوان زیرمجموعه‌ای از انواع حوزه‌های مفهومی به‌کاررفته در بوستان سعدی معنادار نیست. در نتیجه، براساس سنجش حوزهٔ مفهومی «شخصیت‌های انسانی»، فرضیهٔ ۳ رد می‌گردد.

جدول (۲۲): مثال‌های بیشتر برای حوزهٔ مفهومی «شخصیت‌های انسانی»

بیت	درونداد ۱	درونداد ۲	فضای عام	فضای آمیخته
۶۳. به سیم سیه تا چه خواهی خرید که خواهی دل از مهر یوسف برید (سعدی، ۱۳۷۹: ۱۹۰)	یوسف	پروردگار	هستار	دل از مهر یوسف برید
۶۴. نه سلطان خریدار هر بنده‌ای است نه در زیر هر ژنده‌ای زنده‌ای است (سعدی، ۱۳۷۹: ۱۰۳)	سلطان	پروردگار	هستار	سلطان خریدار هر بنده-ای نیست
۶۵. مدام این دو چون حاجبان بر درند ز سلطان به سلطان خبر می‌برند (سعدی، ۱۳۷۹: ۱۷۷)	سلطان سلطان	هوش خرد	هستار هستار	ز سلطان به سلطان خبر می‌برند
۶۶. چو سلطان عزت علم بر کشند جهان سر به جَیب عدم در کشد (سعدی، ۱۳۷۹: ۱۰۹)	سلطان	پروردگار	هستار	سلطان عزت
۶۷. چه دانند جیحونیان قدر آب ز واماندگان پُرس در آفتاب (سعدی، ۱۳۷۹: ۱۷۴)	جیحونیان واماندگان	مرفهین بی بضاعتان	هستار هستار	جیحونیان قدر آب ندادند، از واماندگان پرس

جدول (۲۳): نتایج آزمون خی ۲ در ارتباط با حوزهٔ مفهومی «شخصیت‌های انسانی»

بسامد	۷۳
درصد	۷/۹
میانگین	۶/۶۳
تعداد کل حوزه‌های مفهومی	۹۲۳
میزان خی ۲	۰/۰۶۴
درجه آزادی	۱
سطح معناداری	۰/۸

۳ـ۱۳. حوزهٔ مفهومی «محل»

«محل‌ها» حوزهٔ مفهومی دیگری است که سعدی در ساخت استعاره‌های کتاب بوستان از آنها استفاده می‌کند، گرچه تعداد آنها بسیار اندک است. در این استعاره‌ها، «محل‌هایی» که برای مخاطب ملموس‌تر هستند، درونداد اول قرار می‌گیرند و همراه با ویژگی‌های درونداد دوم به فضای آمیخته وارد می‌شوند. برای نمونه، در مثال ۶۸ «جهان آخرت» همچون «شهری» فرض شده است که برای ورود به آن باید از «مرگ» که «دروازهٔ» آن است، عبور کرد. درونداد اول در این استعاره «دروازه» و «شهر» و درونداد دوم «مرگ» و «جهان آخرت» هستند. «دروازه» از درونداد اول و «مرگ» از درونداد دوم به فضای آمیخته فرافکنی شده‌اند و استعارهٔ «دروازهٔ مرگ» را تشکیل داده‌اند. «هستار» فضای عام این استعاره است.

۶۸. به دروازه مرگ چون در شویم به یک هفته با هم برابر شویم (سعدی، ۱۳۷۹: ۷۱).

در جدول ۲۴، مثال‌های بیشتری برای حوزهٔ مفهومی «محل» بیان شده است.

از آنجا که تعداد استعاره‌های حوزهٔ مفهومی «محل» در باب‌های بوستان از ۵ کمتر است، این داده‌ها قابل ارائه در آزمون خی ۲ نیستند. این امر نشان می‌دهد میزان استفاده از این حوزهٔ مفهومی در بوستان سعدی بسیار اندک است.

آنچه تاکنون بیان شد توصیف و تحلیل کاربرد حوزه‌های مفهومی سیزده‌گانه به صورت مجزا از هم بود. در ادامه، میزان استفاده از کل حوزه‌های مفهومی در هر باب از بوستان سعدی مورد تحلیل قرار گرفته است. در جدول ۲۵، بسامد مورد استفاده در آزمون خی ۲ برای کل حوزه‌های مفهومی (شامل کل ۱۳ حوزهٔ

مفهومی)، بر اساس میزان استفاده در استعاره‌های هر باب از بوستان سعدی دسته بندی شده است.

جدول (۲۴): مثال‌های بیشتر برای حوزهٔ مفهومی «محل»

بیت	دروندادا۱	درونداد ۲	فضای عام	فضای آمیخته
۶۹. فراغ دلت هست و نیروی تن چو میدان فراخ است گویی بزن (سعدی، ۱۳۷۹: ۱۸۴)	میدان	دنیا	هستار	میدان فراخ است
۷۰. چرا دل به این کاروانگه نهیم؟ که یاران برفتند و ما بر رهیم (سعدی، ۱۳۷۹: ۱۸۸)	کاروانگه	دنیا	هستار	دل به کاروانگه نهیم
۷۱. پس ای خاکسار گنه عن قریب سفر کرد خواهی به شهری غریب (سعدی، ۱۳۷۹: ۱۸۹)	شهر	آخرت	هستار	شهری غریب
۷۲. ندانی که کمتر نهد دوست پای چوبیند که دشمن بود در سرای (سعدی، ۱۳۷۹: ۱۹۰)	سرای	دل انسان	هستار	پای نهادن در سرای
۷۳. چو اندر نیستانی آتش زدی ز شیران بپرهیز اگر بخردی (سعدی، ۱۳۷۹: ۱۸۰)	نیستان	جامعه	هستار	آتش در نیستان زدن

جدول (۲۵): بسامد مورد استفاده در آزمون خی ۲ در رابطه با کل حوزه‌های مفهومی به‌کار رفته در هر باب از بوستان سعدی

کل حوزه‌های مفهومی	کل موارد مشاهده شده
دیباچه	۷۸
باب اول	۱۸۱
باب دوم	۱۱۱
باب سوم	۹۲
باب چهارم	۱۰۳
باب پنجم	۵۰
باب ششم	۵۵
باب هفتم	۸۵
باب هشتم	۵۸
باب نهم	۸۸
باب دهم	۲۲
تعداد کل حوزه‌های مفهومی در بوستان	۹۲۳
تعداد کل ابیات	۴۰۱۱

جدول (۲۶): نتایج آزمون خی۲ در رابطه با کل حوزه‌های مفهومی مورد استفاده در هر باب از بوستان سعدی

میزان خی ۲	۹/۲۷۷
درجه آزادی	۱
سطح معناداری	۰/۰۰۲

براساس جدول ۲۶ و سطح معناداری (۰/۰۰۲ < ۰/۰۵)، از لحاظ آماری این رابطه معنادار محسوب می‌شود. در نتیجه، بسامد استفاده از انواع حوزه‌های مفهومی در بوستان سعدی معنادار است. بنابراین، براساس سنجش کل حوزه‌های مفهومی، فرضیهٔ ۳ تأیید می‌گردد.

۴. نتیجه‌گیری

توصیف تحلیل داده‌های به‌دس‌آمده از بررسی استعاره‌های بوستان سعدی نشان داد همانطور که در نظریهٔ آمیزهٔ مفهومی بیان شده است، نه تنها بسیاری از استعاره‌ها از مطابقت حوزهٔ مبدأ و مقصد ساخته نمی‌شوند، بلکه با استفاده از این حوزه‌ها قابل توضیح نیز، نیستند. برای نمونه، هنگامی‌که سعدی از «سخن‌گفتن مردگان» در بیت «اگر مرده مسکین توان داشتی به فریاد و زاری فغان داشتی» یاد می‌کند، نمی‌توان از طریق مطابقت حوزه‌های مبدأ و مقصد آن را توضیح داد. آن‌چه سبب می‌شود به‌درستی این استعاره را درک کنیم فرافکنی فضاهای دروندادی (دنیای مردگان و دنیای زندگان) به فضای آمیخته است. در این فضای آمیخته است که مردگان توانایی سخن گفتن پیدا می‌کنند و استعاره‌ای جدید ساخته می‌شود.

در پژوهش حاضر، استعاره‌های بوستان سعدی بر طبق مبانی و اصول نظریهٔ فوکونیه و ترنر (1998, 2002) توصیف و تحلیل گردید. توصیف و تحلیل داده‌ها نشان داد حوزه های مفهومی به کار رفته در استعاره‌های بوستان سعدی که در ساخت فضاهای ذهنی مطرح‌شده در نظریهٔ فوکونیه و ترنر (1998, 2202) نقش دارند، در ۱۳ گروه قابل دسته‌بندی‌اند. این ۱۳ گروه عبارتند از: جاندارپنداری، «سفر» برای مفهوم «زندگی»، جهت‌های مختلف برای هستارهای باارزش و مثبت و هستارهای

بی‌ارزش و منفی، پدیده‌های طبیعی، حیوانات، مزه‌ها، کشاورزی، اعضای بدن، مظروف بودن هستارهایی که ظرف نیستند، اشیا، افعال، شخصیت‌های انسانی و محل. نتایج آزمون خی ۲ نشان داد که استفاده از این حوزه‌های مفهومی در استعاره‌های بوستان سعدی باستثنای حوزه‌های مفهومی «جهت‌ها برای هستارهای مثبت و منفی»، «اعضای بدن»، «شخصیت‌های انسانی» و «محل» معنادارند. به عبارت دیگر، استفاده از حوزه‌های مفهومی در ساخت استعاره و انتقال معانی خاص به مخاطبین به صورت هدفمند صورت گرفته است. سعدی برای انتقال هر مفهوم از طریق استعاره از حوزهٔ مفهومی خاصی استفاده نموده است. در نتیجه، در تحلیل فرضیه‌های مطرح‌شده در مقدمهٔ پژوهش حاضر مبنی بر این که: استعاره‌های به-کاررفته در بوستان سعدی را می‌توان بر اساس انواع فضاهای ذهنی مطرح شده در نظریهٔ آمیزهٔ مفهومی مورد بررسی قرار داد؛ انواع حوزه‌های مفهومی استفاده‌شده در ساخت فضاهای ذهنی به‌کاررفته در استعاره‌های بوستان سعدی را می‌توان بر اساس نظریهٔ آمیزهٔ مفهومی مورد بررسی قرار داد؛ تفاوت معناداری بین بسامد استفاده از انواع حوزه‌های مفهومی در ساخت انواع فضاهای ذهنی مطرح‌شده در نظریهٔ آمیزهٔ مفهومی در استعاره‌های بوستان سعدی وجود دارد، باید بیان داشت که با توجه به توصیف‌های زبانی و همچنین تحلیل‌های آماری ارائه‌شده، همهٔ این فرضیه‌ها اثبات و تأیید شدند.

پیش از این نیز، مؤذنی و خنجری (۱۳۹۳) استعاره‌های تعدادی از آثار ادبی فارسی را بر اساس نظریهٔ آمیزهٔ مفهومی (Fauconnier & Turner, 1998) مورد تحلیل قرار داده بودند که نتایج پژوهش آن‌ها نشان‌دهندهٔ کارآمدی الگوی شبکه‌ای برای تحلیل استعاره‌های فارسی بود. اصغرنژاد فرید و فقیه ملک مرزبان (۱۳۹۵) به تحلیل مفاهیم جنگ و شکار و عشق در غزلیات سعدی بر مبنای نظریهٔ آمیزهٔ

مفهومی (Fauconnier & Turner, 2002) پرداخته‌اند و پارادوکس حاصل از آمیزه را در این مفاهیم استعاری نشان داده‌اند.

منابع

اصغرنژاد فرید، مرضیه و نسرین فقیه ملک مرزبان. (۱۳۹۵). «آمیزه مفهومی جنگ و شکار و عشق درغزلیات سعدی با تکیه بر نظریه فوکونیه و ترنر»، ***پژوهش زبان و ادب فارسی***. ۴۲: ۳۱-۵۹.

برکت، بهزاد، روشن، بلقیس، محمدابراهیمی، زینت و لیلا اردبیلی. (۱۳۹۱). «روایت شناختی (کاربست نظریه آمیختگی مفهومی بر قصه های ایرانی)». ***ادب پژوهی***. ۲۱: ۹-۳۱.

خادم‌زاده، وحید و محمد سعیدی مهر. (۱۳۹۳). «استعاره‌های مفهومی علیت در دیدگاه لیکاف». ***پژوهشنامه علوم انسانی***. ۷۱/۱، ۷-۳۳.

خیری‌کنگان، زهرا. (۱۳۹۰). ***برر سی و مقایسه کارایی نظریه ا ستعاره مفهومی و آمیزش مفهومی در تبیین تبلیغات ا ستعاری تعدادی از مجلات خانوادگی ایرانی***. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه سیستان و بلوچستان.

ریچاردز، آیودآرمسترانگ. (۱۳۸۲). *فلسفه بلاغت*. ترجمهٔ علی محمدآسیابادی. تهران: نشر قطره.

زنگویی، اسدالله، شعبانی ورکی، بختیار، فتوحی، محمود و جهانگیر مسعودی. (۱۳۸۹). «استعاره، مفهوم، نظریه ها و کارکردهای آن در تعلیم تربیت». ***مطالعات تربیتی و روانشناسی***. ۱/۱۱: ۷۷ـ۱۰۸.

ساسانی، فرهاد. (۱۳۹۰). استعاره مبنای تفکر و زیبایی آفرینی. چاپ دوم. تهران: انتشارات سوره مهر.

سعدی، مصلح الدین. (۱۳۷۹). ***بوستان سعدی شیرازی***. به تصحیح غلامحسین یوسفی. تهران: نشر خوارزمی.

شاملی، نصراله، فرزانه حاجی قاسمی. (۱۳۹۶). «شبکه شعاعی معنای دیدن در خطبه های نهج البلاغه بر پایه معناشناختی قالبی». ***پژوهشنامه نهج البلاغه***. ۱۹/۵: ۱۰۱-۱۲۴.

صادقی، لیلا. (۱۳۹۱). «ادغام نو شتار و ت صویر در متون ادبی بر ا ساس نظریه ادغام مفهومی». ***جستارهای زبانی***. ۳/۴: ۷۶-۱۰۳.

کووچش، زلتون. (۱۳۹۳). ***مقدمه‌ای کاربردی بر استعاره***. ترجمه شیرین پورابراهیم. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی.

موذنی، علی محمد و شهروز خنجری. (۱۳۹۳). «تحلیل برخی استعاره‌های فارسی با استفاده از الگوی شبکه‌ای و ادغام». *ادب فارسی*. ۱/۴: ۲-۱۶.

ندیمی، نرجس. (۱۳۹۲). ***بررسی اخبار سه شبکه تلویزیون ایران برا ساس نظریه آمیزه مفهومی***. پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد . دانشگاه سیستان و بلوچستان.

Black, M. (1979). “More about Metaphors”. In Andrew Ortony (ed). ***Metaphor and Thought***. Cambridge: University Press.

Black, M. (1962). ***Models and Metaphors***. New York: Comell University Press.

Chomsky, N. (1964). ***Aspects of The Theory of Syntax***. Cambridge: MIT Press.

Descamp, M. (2007). ***Metaphor and Ideology***. Netherland: Brill.

Fauconnier, G. (1997). ***Mapping in Thought and Language***. Cambridge: University Press.

Fauconnier, G. & M. Turner. (1996). ***Blending as a CentralProcess of Grammar***. Cambridge: University Press.

Fauconnier, G. & M. Turner. (1998). ***Conceptual Integration Networks***. Cognitive Science. 22(2): 133-187.

Fauconnier, G., & M. Turner. (1999). “Metonymy in Language and Thought”. In Panther, K-U. & G. Radden (eds). ***Metonymy and Conceptual Integration***. Amsterdam: John Benjamins Publishing Company. 77-90.

Fauconnier, G., & Turner, M. (2002). ***The Way We Think: Conceptual Blending and the Mind’s Hidden Complexities***. New York: Basic Books.

Grady, J., Oakly, T., & S. Coulson. (1999). “Blebding and Metaphor”. In G. Steen and R. Gibbs (eds). ***Metaphor in Cognitive Linguistics. Phildelphia***: John Benjamins. 421-438..

Grice, H. P. (1975).“Logic and conversation”. In P. Cole & Jerry L. Morgan (ed). ***Syntax and Semantics.*** Vol. 3. New York: Academic Press. 41-48.

Johnson, M. (1987). ***The Body of Mind: The Bodily Basis of Meaning, Imagination and Reason.*** Chicago and London: Chicago University Press.

Joy, A., Sherry, F. & J. Deschenes. (2009). "Conceptual blending in advertising". ***Journal of Business Research***. 62: 39-49.

Lakoff, G. & M. Johnson. (1980). ***Metaphors We Live by***. Chicago: University Press.

Lakoff, G. (1992). "Metaphors and War: The Metaphor System Used to Justify the War in the Gulf". In M. Putz (ed). ***Thirty years of Linguistic Evolution***. Amsterdam: John Benjamins. 463-482.

Lakoff, G., (1993). "The Contemporary theory of metaphor". In Ortony, A. (ed.). ***Metaphor and Thought***. Cambridge: University Press. 202-251.

Quinn, N. (1987). "Convergent evidence for a cultural model of American marrage". In D. Hoolland & N. Quinn (ed.). ***Cultural Models in Language and Thought***. New York: Cambridge University Press. 173-192.

Richards, I.A., (1936). ***The Philosophy of Rhetoric***. London: Oxford University Press.

Reinhart, T., (1976). "On understanding poetic metaphor". Poetics. 5.4: 383-402.

Searle, J. (1979). ***Expression and Meaning: Studies in the Theory of Speech Acts***. Cambridge: University Press.

Turner, M. (1996). ***The Literary Mind***. Oxford: University.

Wickman, A. S., Daniels, M. H., White, L. J. & A. Fesmire. (1999)." A primer in conceptual metaphor for counselors". ***Electornic Journal***. 77: 389-394.

Ziff, P. (1964). ***On Understanding Understanding***. Michigan: Cornell University Press.